دریچه

تجلیل اسکورسیزی از آنیس واردا

● **گروه هنر:** «مارتین اسکورسیزی» با تمجید از «آنیس واردا» گفت: «برای ساخت فیلم «مرد ایرلندی» الهامات زیادی از این کارگردان بزرگ و درگذشته فرانسوی گرفتم».

به گزارش «هالیوود ریپورتر»، «مارتین اسکورسیزی» با حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم تلوراید آمریکا در برنامه ویژه بزرگداشت «آنیس واردا»، از مهم‌ترین چهره‌های موج نوی سینمای فرانسه، حضور یافت و گفت او یکی از خدایان بود که در سال ۱۹۷۷ برای اولین‌بار او را ملاقات کردم و همچنان با هم دوست باقی ماندیم. «آنیس واردا» در ماه مارس امسال در ۹۰ سالگی درگذشت. وی در سال ۲۰۱۷ از سوی آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار با دریافت جایزه افتخاری مورد تقدیر قرار گرفت و سال گذشته نیز با ساخت مستند «چهره‌ها مکان‌ها» با مشارکت «JR»، نامزد شاخه اسکار مستند شد تا کهن‌سال‌ترین نامزد اسکار تاریخ این جوایز سینمایی نام بگیرد. «اسکورسیزی» در برنامه ویژه جشنواره تلوراید برای یادبود این سینماگر برجسته، وی را یک منبع الهام خواند و گفت: همیشه حقیقت را به صریح‌ترین شکل ممکن از او دریافت می‌کردم. او خیلی از فیلم «کوندان» که در سال ۱۹۷۷ ساختم خوشش نمی‌آمد. شب رونمایی از فیلم «گرگ وال‌استریت» نیز آمد، اما حتی یک کلمه هم درباره فیلم به من چیزی نگفت. «آنیس» در هنگام تدوین فیلم «سکوت» در کنارم نبود و در هنگام ساخت فیلم «مرد ایرلندی» نیز سر صحنه فیلم‌برداری آمد و برای ساخت این فیلم الهامات زیادی از او گرفتم. او هیچ قانونی نداشت و این کلید کارهای او بود.

«آنیس واردا»، اولین فیلم بلند خود را در سال ۱۹۵۵ با نام «نقطه کوتاه» ساخت. «سواحل آنیس» نیز دیگر ساخته اوست که جایزه بهترین اثر مستند جوایز سزار را کسب کرد. او در سال ۲۰۱۱ به‌جهت خدماتش در عرصه فرهنگ و هنر فرانسه، به مقام لژیون دونور رسید. وی در سال ۱۹۶۴ جایزه سینمایی «لوئی دلوک» را کسب کرد. در سال ۱۹۹۲ نامزد نخل طلای کن بود، در سال ۱۹۸۵ شیر طلای ونیز را برد و در سال ۱۹۶۵ خرس نقره‌ای جشنواره برلین و در سال ۲۰۱۵ نخل افتخاری کن را به دست آورد. این کارگردان زن مستقل فرانسوی از کارگردانان اصلی موج نوی سینمای فرانسه و یکی از بازماندگان این مکتب است که آثار او ازجمله فیلم‌ها و عکس‌هایش با شیوه تجربی متمایز، عمدتا بر مستندهای واقع‌گرا، موضوعات فمینیسم و اجتماعی متمرکز هستند. مستند «واردا به روایت آنیس» جدیدترین ساخته او بود که در بخش غیررقابتی جشنواره برلین ۲۰۱۹ رونمایی شد و خودش ساخت این فیلم را نوعی «وداع با تماشاگران» توصیف کرده بود.

بزرگداشت کیانوش عیاری در جشنواره فیلم مستقل خورشید

● **گروه هنر:** آیین بزرگداشت کیانوش عیاری در هفتمین جشنواره فیلم مستقل خورشید برگزار می‌شود.

به گزارش روابط‌عمومی هفتمین جشنواره فیلم مستقل خورشید، این جشنواره به پاس قدرشناسی از یک عمر تلاش ارزنده و دستاوردهای هنری کیانوش عیاری، نویسنده و کارگردان پیش‌کسوت سینما از وی تقدیر می‌کند. کیانوش عیاری متولد ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۰ در اهواز است و ساخت آثاری مانند فیلم‌های سینمایی «تازه‌نفس‌ها»، «روز باشکوه»، «شاخ گاو»، «آبادانی‌ها»، «بودن یا نبودن»، «سفره ایرانی»، «بیدار شو آرزو»، «خانه پدری»، «کاناپه» و سریال‌هایی مانند «هزاران چشم»، «روزگار قریب» و... را در کارنامه کاری‌اش دارد. هفتمین جشنواره فیلم مستقل خورشید در بخش‌های «مسابقه فیلم مستقل تجربه‌گرا»، «مسابقه ویدئوآرت»، «مروری بر سینمای تجربی آلمان» و «بخش ویژه بازآفرینی شهری»، به دبیری مهدی یارمحمدی، ۸ الی ۱۱ مهرماه سال جاری در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. آدرس سایت جشنواره www.khorshidfilmfestival.com است.

نگاهی به جشن خانه سینما

فرانک آرتا

مدتی است که توجهات زیادی به فیلم «مستند» می‌شود؛ مثلا یک فیلم مستند را راهی مراسم اسکار می‌کنند؛ «در جستجوی فریده»! یا ریاست یک معاونت مهم در سازمان سینمایی - نظارت و ارزشیابی - که نقش مهمی را در تعیین سرنوشت «فیلم‌های داستانی» ایفا می‌کند از میان یک مدیر باسابقه عرصه سینمای «مستند» انتخاب می‌کنند. محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، یکی از مدیران باتجربه در «صداوسیما» و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی بود که در دوره مدیریت خود از قضا در برابر ادامه ساخت فیلم‌های داستانی مانند «لاله» - مربوط به دوران مدیریت جواد شمقدری - که هیچ نسبتی با مأموریت مرکز نداشت، جانانه ایستادگی کرد و حالا امروز در قامت معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی مشغول به کار است.

اخیرا هم در بیست‌ویکمین جشن بزرگ سینمای ایران «خانه سینما» - که فیلم‌ها در قالب آکادمی و به شکل تخصصی داوری می‌شوند - هم از یک تهیه‌کننده فیلم مستند رونمایی شد: شهردار تهران.

پیروز حناچی که تهیه‌کنندگی فیلم «زمستان است»، به کارگردانی «مهرداد زاهدیان» را برعهده داشت، جایزه بهترین فیلم مستند بلند را دریافت کرد! سخنان او هنگام دریافت این جایزه حائز اهمیت است.

او گفت: «از همکارانم در خانه سینما تشکر و یادی می‌کنم از سیف‌الله داد که بنیان‌گذار این برنامه بودند. فیلم «زمستان است» از آنجایی ساخته شد که من در سفری به خیابان «استقلال» ترکیه رفتم و به این نتیجه رسیدم که این تجربه را تکرار کنم، چراکه ما هم خیابان «لاله‌زار» را داریم که قدیمی‌ترین خیابان تهران است. تلاش بر این بود که به ارزش‌های شهرمان اشاره کنیم و تلاش بر این است که این خیابان را به شخصیت اصلی خودش که زمانی درگاه تجدد کشور بود برگردانیم».

درست است که فیلم در زمانی تهیه شده که آقای حناچی شهردار تهران نبودند، اما زمانی که شهردار هستند این جایزه را دریافت کردند!

ولی آیا بهتر نبود زیرکانه از دریافت این جایزه - به دلیل جایگاه حقوقی ایشان - امتناع می‌کردند و بنا بر نگاه توسعه‌محور که دولت‌ها به‌جای اینکه خود مستقیم وارد فضای رقابت با بخش خصوصی شوند، فضا را برای تهیه‌کنندگان بخش خصوصی باز می‌کردند؟!

و اما سؤال مهم‌تر را باید از برگزارکنندگان مراسم خانه سینما پرسید که چه دلیلی وجود دارد که نگاه دولتی را به جوایز خود تزریق کنید. مگر امسال تلاش نشد که جوایز این جشن شبیه جشنواره فیلم فجر نشود؟! ضمن اینکه داوران محترمی که مستندها را مورد ارزیابی قرار دادند، چقدر این موضوع و انتخاب بهترین فیلم برای آنها مهم بود که به این ریزه‌کاری‌ها توجه نداشتند؟!...

با همه توجهاتی که در این سال‌ها به فیلم مستند شده، اما این نکته قابل بررسی است که چرا حال برخی از مستندسازان خوب نیست؟!

اما موضوع مهم این است که مگر قرار نیست که به بخش خصوصی و جوانانی که با کمترین امکانات دولتی و از سر عشق به فیلم‌سازی روی آورده‌اند، بیشتر توجه شود.

هرچند معتقدم که نیات اهالی خانه سینما خیر است و امیدوارم این نیات هم در جامه عمل، منشأ خیر در سینمای ایران شود.

نقدی بر نقد «بانی و کلاید» نوشته «پالین کیل»

تعصب: نَفْس یا موضوع

علی فرهمند: می‌توان در ابتدا نکته‌ای را یادآور شد که کیفیت نقد منقد، با فریفتگی‌اش نسبت به اثر رابطه‌ای است معکوس: هرچه حس درونی منقد رو بزند به شیفتگی، نوشته تحسین‌نامه است و - احتمالا- انتقادات - خرده‌گیری‌هایش- لطفی است برای خالی‌نماندن عریضه. همه ما از این دست نوشته‌ها داریم؛ نوشته‌هایی که کارگشا نیست و راه به جایی نمی‌برد؛ به اثر ورود پیدا نمی‌کند و تنها حول اثر می‌گردد. اغلب این نوشته‌ها - نویسنده‌ها- مرعوب نکته‌ای، مؤلفه‌ای، چیزی هستند که در اثر بدیع می‌نماید. اگر به جست‌وجو در تاریخ نقد بپردازیم، با آثاری مواجه خواهیم شد که امروز شاید خالی از هرگونه کیفیت بیانی جلوه می‌کنند، اما در دوران خود - به دلیل تازگی که داشتند - تحسین شدند و این چرخه مرعوبیت منقد - حال آنکه به سخت‌پسندی معروف باشد- نسبت به نوبودن اثر، همواره رواج داشته و نقد خانم «پالین کیل» - به‌عنوان منقدی که نظیرش در تاریخ نقدنویسی به علت هوش و سلیقه و ریزبینی یافت نمی‌شود- بر فیلم بانی و کلاید هم این‌گونه است:

۱. اگر نقدهای همان دوران را درباره بانی و کلاید بخوانیم؛ از «دیوید ویسلن» و «تام میلن» تا «پالین کیل»، همگی به نکته‌ای اشاره کرده و فریفته‌اش شده‌اند که تاریخ سینما به این صراحت به خود ندیده بود: تلفیق موقعیت‌های خشونت‌بار و کمیک. شالوده نقد «کیل» هم همین نکته است، حال آنکه این مؤلفه اساسا درون اثر نیست و به نوعی معرف اثر است. با ورود به اثر می‌توان به این نکته پی برد که آیا این تلفیق خوب به بار نشسته و لحن و فضای کلی با این مؤلفه سازگار است (؟) یا خیر! حتی «کیل» به این نکته اشاره می‌کند که بانی و کلایدِ آرتور پِن -برخلاف سایر فیلم‌های اقتباس‌شده از زندگی «بانی پارکر» و «کلاید بارو» - فیلمی است رئالیستی و متمرکز بر زندگی واقعی دو ضدقهرمان؛ اما چطور به این مهم پی نبرده است که زندگی واقعی و شبه‌رئالیستی، اساسا با تلفیق موقعیت‌های متضاد خشونت و شوخی سازگار نیست و چیزی شبیه به هجو می‌سازد و تحلیل «کیل» از اسطوره‌زدایی فیلم «آرتور پِن» به‌کل اشتباه؛ زیرا فیلم اسطوره‌زدا نیست، بلکه ضداسطوره است.

اسطوره‌زدایی، رو به واقعیت دارد، ولی رویکرد ضداسطوره می‌تواند حتی کمدی جلوه کند. شرط نخست اسطوره‌زدایی، شخصیت‌پردازی در دل روزمرگی است؛ اینکه مخاطب با زندگی واقعی ضدقهرمان‌ها مواجه شود این اتفاق در بانی و کلاید افتاده؛ اما افزودن تلفیق هجوگونه شوخی و خشونت رویکردی ضداسطوره است؛ شخصیت‌ها را هجو می‌کند و نسبت بهشان حسی تمسخرآمیز القا می‌کند که دیگر بانی و کلاید، آدم‌هایی عادی و معمولی نیستند، بلکه جنایت‌کارانی کودن جلوه می‌کنند. یکی از مثال‌هایش صحنه مشاجره «بانی» و «کلاید» - پیش از پایان- در ماشین است که «کیل» این صحنه را واقعی می‌خواند، اما درواقع صحنه رویکرد هجو دارد.

«کیل» برگ برنده بانی و کلاید را معمولی‌بودن «بانی پارکر» و «کلاید بارو» می‌داند که از اساس غلط است. «بانی» و «کلاید» و سایر اعضای گروه به‌خاطر رفتارهایشان از طرف نویسندگان و کارگردان هجو می‌شوند و این خاصیت رویکرد ضداسطوره است، نه اسطوره‌زدایی. اشتباه «پالین کیل» (درواقع اشتباه فیلم) شاید در این است که تکلیف فیلم با خودش مشخص نیست.

می‌خواهد به واقعیت زندگی «بانی» و «کلاید» پهلو بزند یا از آنها یک جفت ضدقهرمان خنگ بسازد؟ فیلم هر دو رویکرد را دارد و در جاهایی «بانی» خنگ است و لوس و جای دیگر جانی و جدی. «کلاید» هم گاه کودک می‌نماید و از طرف سازندگان مسخره می‌شود و گاهی یک ضدقهرمان که سازندگان برایش احترام قائلند. مشکل این است که موضع فیلم نسبت به شخصیت‌ها نامشخص و منقد در دام بی‌موضعی فیلم‌ساز - و نویسنده‌هایش- افتاده است.

۲. نقد «پالین کیل» - برخلاف اغلب شاه‌نقدهایش؛ مثلا درباره همشهری‌کین، آگراندیسمان، صدای ناهنجار قلب، آوای موسیقی و ... نقدی فرم‌مدار نیست؛ رو به فرم ندارد، چون درون اثر نیست. چگونگی اثر هم دغدغه‌اش نیست؛ در آغاز که کوتاه به معمولی‌بودن دو جنایت‌کار معروف می‌پردازد و بعد به تفصیل در دام مقایسه فیلم «آرتور پن» با دیگر فیلم‌هایی که بر اساس واقعیت زندگی «بانی پارکر» و «کلاید بارو» ساخته شده - به‌خصوص فیلم «فریتز لانگ»- افتاده است. اینکه فیلمی را با هم‌ردیف‌هایش مقایسه کنیم و برتری‌اش را نسبت به سایر فیلم‌هایی - عمدتا معمولی- درباره «بانی» و «کلاید» بیابیم، کافی است که اثر را در تاریخ سینما اثری خوب ارزیابی کنیم؟

> **بانی و کلاید یک قطعه کمدی اسلپ استیک میان‌مایه است که جنایات آن جفَتِ احمق مریض را با شوخ‌طبعی جلوه می‌دهد. نقد می‌تواند چیز خطرناکی جلوه کند اگر عادلانه نوشته نشود، اگر منقّد در حین نوشتن، مرعوب اثر باشد یا متنفر از چیزی یا کسی یا اگر نقد، «صرفا» ابزار بیانی خود نویسنده تلقی شود**

ضمن اینکه قیاس فیلم اکسپرسیونیستی «تنها یک‌بار زندگی می‌کنی» (فریتز لانگ) با بزن و بکوب «بانی و کلاید» مقایسه‌ای است نادرست که تلخی داستان تنها یک‌بار... متناسب با فضای اکسپرسیونیسم، قطعا نمی‌تواند وفاداری خود را به داستان واقعی «بانی و کلاید» به اثبات برساند و مسئله فیلم هم واقع‌گرایی نیست؛ بنابراین نوشته «پالین کیل» نه یک نقد که یادداشتی است درباره «موضوع فیلم» که این موضوع در قیاس با «هم‌موضوع‌هایش» بهتر تفسیر شده است و البته توضیح «کیل» درباره فرهنگ آمریکایی و نحوه برخورد مخاطبان آمریکایی با بانی و کلاید بسیار آموزنده است؛ اما اینها نقد فیلم نیست و به بهتردیدن فیلم کمک شایانی نمی‌کند. اصلا اگر نقد «کیل» رو به فرم هم نداشت و نقدی ساختارگرا بود هم می‌توانست کارساز باشد؛ لااقل می‌شد به تناسب‌نداشتن فضای هجوگونه با رویکرد واقع‌گرایانه فیلم پی برد یا می‌شد از طریق نقد ساختارگرا به ضعف‌های کارگردانی در نیمه دوم فیلم اشاراتی کرد؛ همان‌کار عبثی که «کیل» در نقد اِم را به نشانه قتل بگیرِ «هیچکاک» انجام داد: ساختارگرایی صرف. لااقل در آن نقد -اگر از رویکرد فرمالیستی پیشین «کیل» آگاه نباشیم- موضع «کیل» نسبت به فیلم بسط داده می‌شود و توضیحش می‌دهد اما در این یادداشت حتی چنین اتفاقی هم نیفتاده است.

۳. نقد «پالین کیل» بر بانی و کلاید نقد ضعیفی است اما مهم: اهمیت نقد «کیل» در این نکته نهفته است که تا چه اندازه می‌توان از طریق نقد، فیلمی را بیش از آنچه هست، جلوه داد. «کیل» می‌نویسد: «بانی و کلاید یک فیلم هیجان‌انگیز آمریکایی است و تماشاگر با دیدنش سرزنده و با نشاط خواهد شد». آیا هیجان‌انگیزبودن معیاری است برای فیلم خوب بودن؟ و تمام نقد هم متمرکز است بر همین هیجان فیلم و منقّد. این‌گونه -و از طریق معیار هیجان- که کیل بیل هم فیلمی شاهکار ارزیابی می‌شود! این نوشته نشان از هیجان خود منقّد دارد، درحالی که تصور می‌کنم نقد خوب و کارگشا، نقدی است که خالی از هیجان و شور نویسنده‌اش باشد. در این صورت است که می‌تواند به اثر ورود پیدا کند.

جالب است بدانید که دفاع پرشور «پالین کیل» -منقّد نیویورکر- از بانی و کلاید، باعث شهرت «کیل» و پایان‌گرفتن کار منقّد قبلی نیویورکر، «بازلی کراوتر» شد: این شور و حال موجب افراط می‌شود، برای اثر خطرناک است و البته خطرناک‌تر برای مؤثران: دست‌به‌قلم‌ها و پشتِ دوربین‌ها. حال آنکه تفریط در انتقاد همان‌قدر خطرناک که افراط در تحسین. مثلا «کراوترِ» عصبانی را در نظر بگیرید که برای عقده‌گشایی و عصبانیتش بر سرِ «کیل»، بانی و کلاید را می‌کوبد: «بانی و کلاید یک قطعه کمدی اسلپ استیکِ میان‌مایه است که جنایات آن جفتِ احمق مریضِ را با شوخ‌طبعی جلوه می‌دهد». نقد می‌تواند چیز خطرناکی جلوه کند اگر عادلانه نوشته نشود، اگر منقّد در حین نوشتن، مرعوب اثر باشد، یا متنفر از چیزی یا کسی یا اگر نقد، «صرفا» ابزار بیانی خود نویسنده تلقی شود. در آن صورت است که دیگر اثر مهم نیست و تنها نوشته است که جدای اثر زنده می‌ماند. درصورتی‌که نقد خوب نقدی است که به تعصب، به فریفتگی و به «سلیقه صرف» راه ندهد. نقد خوب تلفیق سواد و آگاهی سینمایی است و جهان منقّد. هر کدام از این دو مؤلفه بیش از دیگری جلوه کند، نقد، اصالت خود را از دست خواهد داد.

یک منقّد قدیمی ایرانی درباره همین افراط و تفریط‌ها روزی نوشت: «تنها موضوع تعصب است که تغییر می‌یابد وگرنه نفس تعصب همیشه با ما باقی می‌ماند».

صدرعاملی، داور جشنواره سنگاپور

گروه هنر: رسول صدرعاملی عضو هیئت داوران سومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های جنوب آسیای سنگاپور شد. رسول صدرعاملی که آخرین ساخته‌اش «سال دوم دانشکده من» در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم مسکو و شانگهای حضور داشته است، در کنار راجر گارسیا (دبیر سابق جشنواره هنگ‌کنگ، تهیه‌کننده فعال در سینمای مستقل و منتقد بین‌المللی)، صبیحه سومار (مستندساز پاکستانی و برنده جوایز بین‌المللی، از جمله از جشنواره ساندنس)، باشودا ویمالدارما (بازیگر سینمای سریلانکا)، راجیو منون (کارگردان، فیلم‌بردار و خواننده هند) و سوهاسینی مانی راتنام (بازیگر و فیلم‌بردار هندی) فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های سنگاپور را داوری می‌کند. در این دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های جنوب آسیای سنگاپور که از تاریخ ۸ تا ۱۶ شهریورماه برگزار می‌شود، ۱۴ فیلم از کارگردانان سینمای هند، پاکستان، سنگاپور، سریلانکا و بوتان در بخش مسابقه حضور دارند. در بخش فیلم‌های داوران جشنواره نیز فیلم «سال دوم دانشکده من» - به پخش‌کنندگی شرکت ایریماژ -روی پرده می‌رود. «سال دوم دانشکده من» جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن را در جشنواره مسکو به دست آورد. رسول صدرعاملی پیش از این، در سال ۲۰۰۹، جایزه بهترین کارگردانی بخش مسابقه سینمای آسیا را برای فیلم «هر شب تنهایی» در جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور دریافت کرده بود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

کوین هارت راهی بیمارستان شد

● **گروه هنر:** کوین هارت، کمدین و بازیگر معروف آمریکایی، پس از تصادف با اتومبیل راهی بیمارستان شد.

به گزارش ورایتی، کوین هارت روز یکشنبه بعد از تصادفی که در یک اتوبان در شهر کالاباساس ایالت کالیفرنیا با اتومبیل خود داشت، راهی بیمارستان شد. طبق اعلام این منابع، این تصادف به وقت محلی در سال ۱۲:۴۵ شب اتفاق افتاده و کوین هارت به همراه ماشین کلاسیکش کنترل خود را از دست داده و به پایین اتوبان سقوط کرده است. او در آن حادثه تنها نبوده و دو شخص دیگر در این ماشین حضور داشتند. هارت بعد از این تصادف از ناحیه کمر به‌شدت آسیب دیده و هم‌اکنون در بیمارستان در حال درمان است. گفته می‌شود آسیب‌دیدگی‌های وی به‌گونه‌ای نیست که زندگی او را تهدید کند. راننده این ماشین نیز در بیمارستان بستری شده و شخص سوم نیز آسیب‌دیدگی‌های جزئی داشته است.

گشت‌های پلیس کالیفرنیا تأیید کردند که در این تصادف هیچ اثری از استفاده مواد مخدر یا مشروبات الکلی دیده نمی‌شود، اما هنوز علت اصلی این تصادف مشخص نیست و پلیس مشغول تحقیقات است.

اخیرا کوین هارت اعلام کرده بود که در فیلم کمدی ابرقهرمانی به نام «گرگ شب» نقش‌آفرینی می‌کند. او همچنین اخیرا به‌عنوان صداپیشه در انیمیشن «زندگی شخصی حیوانات خانگی ۲» فعالیت کرده بود و در ماه دسامبر (آذر) نیز فیلم جدید او به نام «جومانجی: مرحله بعدی» اکران خواهد شد. علاوه‌براین، او در فیلم‌برداری فیلم «پدری» بود که در سال ۲۰۲۰ اکران می‌شود.

جایزه جشنواره فیلم مادرید برای موبیوس

● **گروه هنر:** فرانک مرادی برای فیلم «موبیوس» از جشنواره بین‌المللی فیلم مادرید جایزه بهترین کارگردانی فیلم کوتاه را گرفت. فیلم «موبیوس» به نویسندگی و کارگردانی فرانک مرادی و به تهیه‌کنندگی مشترک فرانک مرادی و نیویورک فیلم آکادمی در کشور ایتالیا تولید شده است.

این فیلم توانست در جشنواره بین‌المللی فیلم مادرید جایزه بهترین کارگردانی فیلم کوتاه را نصیب خود کند.

همچنین فیلم «کرم‌چاله» جایزه بهترین بازیگر زن فیلم کوتاه و بهترین فیلم کوتاه را از نظر هیئت داوران دریافت کرد. جشنواره بین‌المللی فیلم مادرید از ۹ تا ۱۷ آگوست (۱۸ تا ۲۶ مرداد) در شهر مادرید اسپانیا برگزار شد.

فرانک مرادی، اصالتا گچسارانی و پدرش زاده روستای گناوه لری است.

مسافران جشنواره فیلم ونیز

● **گروه هنر:** فیلم «متری شیش‌ونیم» سوم سپتامبر اولین نمایش رسمی خود را در جشنواره ونیز با حضور عوامل و بازیگران تجربه می‌کند.

به گزارش ایسنا، «متری شیش‌ونیم»، به کارگردانی سعید روستایی که یکی از ۱۹ فیلم بخش افق‌های هفتادوششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز است، نمایش رسمی خود را فردا، چهارم سپتامبر (۱۲ شهریور) از ساعت ۱۷ در سالن بزرگ «دارسنا»ی ونیز با ظرفیت بیش از هزار و ۵۰۰ نفر تجربه خواهد کرد.

سعید روستایی، کارگردان این فیلم، به همراه پیمان معادی، نوید محمدزاده، فرهاد اصلانی و هومن بهمنش از عوامل فیلم «متری شیش‌ونیم» هستند که هم‌زمان در جشنواره ونیز با همراهی محمد اطبایی (پخش‌کننده فیلم) حضور دارند.

این فیلم سوم سپتامبر (۱۲ شهریور) دو نمایش در ساعات ۱۹:۱۵ و ۲۱:۰۰ ویژه خریداران و اهالی رسانه خواهد داشت و روز چهارشنبه (۴ سپتامبر، ۱۳ شهریور) نیز برای آخرین‌بار روی پرده خواهد رفت. «متری شیش‌ونیم» در بخش افق‌های جشنواره ونیز با آثاری از کشورهای اسپانیا، آلمان، ایتالیا، فرانسه، آفریقای جنوبی، افغانستان، ایرلند، گرجستان، روسیه، آمریکا، چین، هند و لهستان به رقابت می‌پردازد.

سعید روستایی پس از فیلم «ابد و یک روز» که در جشنواره فجر چندسال قبل جوایز زیادی کسب کرد، «متری شیش‌ونیم» را در دومین تجربه فیلم‌سازی خود با بازی پیمان معادی، نوید محمدزاده و پریسا ایزدیار مقابل دوربین برد.

هومن کیایی، مازیار سیدی، مهدی حسینی‌نیا، علی باقری، مرجان قمری و پیمان شریعتی جمعی از دیگر بازیگران فیلم «متری شیش‌ونیم» هستند که داستانی اجتماعی را با محوریت معضل مواد مخدر به تصویر می‌کشد.

«سوزانا نیکیارلی»، کارگردان زن ایتالیایی، «مارک آدامز»، مدیر جشنواره فیلم ادینبورگ، «رشید بوشارب»، کارگردان الجزایری- فرانسوی، «آلوارو برکنر»، کارگردان اهل کشور اروگوئه و «اوا سانجیورجی» از ایتالیا، داوران بخش رقابتی افق‌های جشنواره ونیز را تشکیل می‌دهند. هفتادوششمین جشنواره فیلم ونیز به‌عنوان قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان از تاریخ ۲۸ آگوست تا ۷ سپتامبر (۶ تا ۱۶ شهریور) در ایتالیا برگزار می‌شود.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شماره مجوز:۱۳۹۸.۳۴۹۵

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	تقاضای شماره SB-۹۷۴۱۵۶۷-E مناقصه شماره : ۹۷/۱۲۰
شرح مختصر اقلام درخواستی	UNDERGROUND ARMOURED CABLE
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
مبلغ برآورد مناقصه	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	ضمانتنامه بانکی و یا واریز وجه نقد به حساب شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۱۳۹۸/۰۷/۲۹
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۸/۰۸/۲۵
تاریخ گشایش پاکات فنی	۱۳۹۸/۰۹/۰۹
تاریخ گشایش پاکات مالی	۱۳۹۸/۰۹/۲۶
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژة اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی،فاز ۲و۳-مدیریت بازرگانی،اداره خرید

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۱۰-۰۷۷۳۱۳۱۲۲۴۷ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ چاپ آگهی نوبت اول ۹۸/۶/۱۲ و تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم ۹۸/۰۶/۱۶ می‌باشد

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی